

معضلات اجرای رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه

جمشید ممتاز^۱

محمد رزاقی ساکت^۲

چکیده: درباره پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (N.P.T) که مبنای رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد، بارها گفته شده که «اعتبار و ارجحیت خود را از دست داده» و خطر «درهم‌شکستن» و حتی «فروپاشی» آنرا نمی‌باید از نظر دور داشت. در رابطه با چنین تهدیدهایی می‌توان دو خاستگاه قائل گردید: دشواری‌هایی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اطمینان یافتن از عدم انحراف فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای عضو پیمان به سوی اهداف نظامی با آن‌ها مواجه است و نیز مسأله جهان‌شمول نبودن این پیمان. این مقاله با اشاره به تلاش‌های ایران جهت رفع نگرانی‌ها در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای خود از یکسو و از سوی دیگر امتناع اسرائیل از تحت بازرسی آژانس قرار دادن فعالیت‌های هسته‌ای این رژیم، معضلات اجرای رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه را مورد بررسی قرار خواهد داد.

واژگان کلیدی: پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مناطق عاری، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، موافقت‌نامه پادمان، حق دستیابی به انرژی هسته‌ای، حق غنی‌سازی، پروتکل الحاقی، شورای حکام، شورای امنیت، عدم حمله یا تهدید به حمله به تأسیسات هسته‌ای، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای.

۱. دکتر جمشید ممتاز، استاد گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

djmomtaz@yahoo.com

۲. آقای محمد رزاقی ساکت، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

تهران، hrzazghi@gmail.com

درباره پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (N.P.T) که در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۶۸ به تصویب رسیده است و مبنای رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد، بارها گفته شده که «اعتبار و ارجحیت خود را از دست داده»^(۱) و خطر «درهم‌شکستن» و حتی «فروپاشی» آن را نمی‌باید از نظر دور داشت.^(۲) در رابطه با چنین تهدیدهایی می‌توان دو خاستگاه قائل گردید: دشواری‌هایی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اطمینان یافتن از عدم انحراف فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای عضو پیمان به سوی اهداف نظامی با آن‌ها مواجه است و نیز مسأله جهان‌شمول نبودن این پیمان، آن‌گونه که هند و پاکستان، که هر دو از قدرت‌های هسته‌ای می‌باشند، هم‌چنان نسبت به رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بی‌اعتنا هستند. در خاورمیانه، ایجاد تردیدهای ساختگی درباره جنبه نظامی نداشتن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همچنین بی‌توجهی مطلق به سر باز زدن مداوم اسرائیل از تحت بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرارداد فعالیت‌های هسته‌ای خود، باعث ایجاد نگرانی‌هایی گردیده‌اند. در هر دو مورد فقدان راه‌حل دیپلماتیک سریع از جاذبه رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای کاسته و می‌تواند در شرایط بی‌ثباتی سبب گسترش زنجیره‌ای سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه گردد.

نخست: نگرانی‌های آژانس درباره ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران

در ۱۴ اوت ۲۰۰۲ یکی از گروه‌های مخالف با جمهوری اسلامی ایران اقدام به خبرپراکنی در رابطه با وجود یک کارخانه غنی‌سازی اورانیوم نمود و مدعی شد که این مرکز تاکنون مورد نظارت بازرسان آژانس قرار نگرفته است. ایران، به‌عنوان دولت عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای^(۳) و موافقتنامه پادمان^(۴) که با آژانس منعقد نموده است، این موضوع که فعالیت‌های هسته‌ای خود را می‌باید تحت نظارت آژانس قرار می‌داده است را پذیرفته است. با این حال، در رابطه با مرکز نطنز چنین تعهدی تنها از زمان تزریق مواد هسته‌ای به سانتریفیوژها برای ایران الزام‌آور تلقی می‌شده، و چنین فعالیتی در زمان «خبرپراکنی» ذکر شده هنوز صورت نگرفته بود. ایران، در واقع، اجرای متن اصلاح‌شده یکی از عنوان‌های بخش عمومی موافقتنامه الحاقی، که در مورد ارائه اطلاعات توصیفی در مراحل مقدماتی می‌باشد، را رد کرده است.^(۵) چنین استدلالی

مورد پذیرش شورای امنیت قرار نمی‌گیرد، چرا که شورا معتقد است حق آژانس برای «بررسی شاخص‌های اساسی که بر عهده او می‌باشد، حقی است دائمی که بستگی به مرحله ساخت یک تأسیسات یا وجود مواد هسته‌ای در یک تأسیسات ندارد».^(۶)

در ۲۱ فوریه ۲۰۰۳، مدیرکل آژانس به مرکز نطنز می‌رود. در پی این بازدید، بررسی‌های انجام‌شده بر روی نمونه‌هایی که از قطعات سانتریفیوژها برداشت شده بودند نشانگر وجود ذرات اورانیوم با درصد غنای بالا می‌باشند. از نظر ایران منشأ این آلودگی خارجی بوده و به تجهیزاتی که به واسطه شبکه پاکستانی عبدالقادرخان تهیه گردیده بودند بازمی‌گشت. مدیرکل آژانس با نادیده‌گرفتن این توضیحات، هر چند که صحت آن‌ها بعدها مورد تأیید قرار گرفتند،^(۷) بی‌درنگ اهمال ایران را اعلام کرده و آن را «تخطی» از موافقت‌نامه پادمان، که ایران ملزم به آن بوده است، توصیف می‌نماید؛^(۸) چنین ملاحظاتی در ادامه مورد تأیید شورای حکام آژانس نیز قرار می‌گیرند.^(۹) با وجود مخالفت آمریکا، که بسیار مصمم به ارجاع سریع مسأله به شورای امنیت بوده است، اتحادیه اروپایی مسیر مذاکرات را پی می‌گیرد. در چنین چارچوبی است که ایران، جهت اعتمادسازی، حاضر به پذیرش تعلیق موقت فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم می‌شود. اما امتناع اتحادیه اروپایی از به رسمیت‌شناختن حق غنی‌سازی ایران، باعث شکست مذاکرات و از سرگیری فعالیت‌های غنی‌سازی توسط ایران می‌گردد و این‌گونه بوده است که شورای امنیت به سوی تحمیل تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی به ایران سوق داده می‌شود.

الف) تعلیق داوطلبانه فعالیت‌های غنی‌سازی از سوی ایران

ماده ۴ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای حق دستیابی به انرژی هسته‌ای را حقی «تفکیک‌ناپذیر» توصیف نموده است که سایر ترتیبات این پیمان نمی‌توانند خدشه‌ای به آن وارد کنند. بر مبنای این ماده، دولت‌های عضو از حق «توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای جهت مقاصد صلح‌آمیز بدون تبعیض» برخوردار می‌باشند. این موضوع که فعالیت‌هایی که در چارچوب یک برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای صورت می‌پذیرند شامل فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم نیز می‌گردند، امری پذیرفته شده است.^(۱۰) بنابراین دولت‌های عضو پیمان که چنین فعالیت‌هایی را به انجام می‌رسانند، تا جایی که این فعالیت‌ها تحت نظارت آژانس قرار گرفته باشند، هیچ تخطی

از تعهداتی که بر مبنای این پیمان پذیرفته‌اند انجام نداده‌اند. استدلال مطرح‌شده از سوی ایران نیز برای به رسمیت شناخته‌شدن حق غنی‌سازی خود چنین بوده است.

منافع ایران جهت برخورداری از برق هسته‌ای، فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم این کشور را توجیه می‌کنند. سابقه این مسأله به سال ۱۹۷۴ و به دنبال انتشار مطالعه‌ای که توسط «مؤسسه تحقیقاتی استنفورد»^۱ در سال ۱۹۷۳ صورت گرفته بود، باز می‌گردد. بر اساس برآوردهای این تحقیق نیاز انرژی ایران در آینده نزدیک آن‌گونه بوده است که این کشور می‌باید احداث دست کم ۲۰ مرکز هسته‌ای با توان تولید ۲۰ هزار مگاوات برق را پیش از سال ۱۹۹۴ میلادی پیش‌بینی می‌کرده است.^(۱۱) وزارت امور خارجه آمریکا در آن زمان اعتبار این تحقیق را به تأیید رسانده و اظهار امیدواری کرده بود که موافقت‌نامه‌هایی با شرکت‌های آمریکایی جهت ساخت مراکز هسته‌ای نهایی گردند.^(۱۲) از آن زمان با وجود نیاز مبرم به انرژی در پی دو برابر شدن جمعیت و نیز کاهش محسوس بازدهی حوزه‌های نفتی،^(۱۳) ایران با کاهش سهم انرژی هسته‌ای در تولید برق روبه‌رو بوده، در حالی که این سهم می‌باید در طول دهه آینده به ۵ هزار مگاوات می‌رسید.^(۱۴)

انتخاب برق هسته‌ای، به‌گونه‌ای طبیعی، باعث نگرانی ایران نسبت به تأمین بی‌دردسر سوخت برای نیروگاه‌های آینده خود می‌گردد. به همین منظور ایران به میزان ۱۰ درصد در سرمایه شرکت اورودیف^۲ در فرانسه، که مالک کارخانه غنی‌سازی تریکاستین^۳ می‌باشد، مشارکت می‌نماید.^(۱۵) با این حال، و با وجود تعهداتی که برعهده داشته‌اند، از یک‌سو فرانسه حق ایران را جهت غنی‌سازی در این چارچوب نادیده می‌انگارد^(۱۶) و از سوی دیگر آمریکا از تأمین سوخت مورد نیاز یک رآکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی برای تولید رادیوایزوتوپ‌هایی که در مصارف پزشکی کاربرد دارند، سر باز می‌زند. تا به امروز، درخواست ایران از آژانس برای دریافت سوخت مورد نیاز این رآکتور به نتیجه‌ای نینجامیده است.^(۱۷) این رویدادها برای ایران راهی جز آغاز فعالیت‌های غنی‌سازی باقی نمی‌گذارند و ناگزیر بودن چنین انتخابی باتوجه به بسته بودن و نیز عدم تضمین دسترسی به بازار بین‌المللی سوخت هسته‌ای، بیشتر مشخص می‌گردد.^(۱۸) از آن

1. Stanford Research Institute.
2. La société Eurodif.
3. Tricastin.

جا که بازفرآوری سوخت استفاده شده در مراکز هسته‌ای، خود می‌تواند جهت دستیابی دولت‌ها به سلاح هسته‌ای مورد بهره‌برداری قرار گیرد، خواست ایران برای در اختیار گرفتن چرخه سوخت هسته‌ای باعث کاستن از بدگمانی‌ها نمی‌گردد. ایران، جهت رفع این نگرانی‌ها و ارائه تضمین درباره اهداف صلح‌آمیز فعالیت‌های خود، پیشنهاد مذاکره اتحادیه اروپایی را می‌پذیرد و بدین طریق روند دیپلماتیک با وزرای خارجه آلمان، فرانسه و انگلستان، به نمایندگی از اتحادیه اروپایی آغاز می‌شود. بیانیه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ تهران خطوط اصلی توافقات آینده را که جزئیات آن می‌باید توسط موافقت‌نامه ۱۵ نوامبر سال ۲۰۰۴ پاریس مشخص می‌گردید تعیین می‌کند.^(۱۹) ایران در آن زمان تصمیم می‌گیرد تا اقداماتی شامل تعلیق اختیاری فعالیت‌های غنی‌سازی و قبول اجرای موقت پروتکل الحاقی^(۲۰) تا زمان تصویب آن را جهت اعتمادسازی به انجام رساند.^(۲۱) به این ترتیب بود که بازرسان آژانس توانستند به تمام مراکز صنعتی تحت اختیار وزارت دفاع ایران دسترسی یابند و اقدام به نمونه‌برداری محیطی از مراکزی که از پیش اعلام نگردیده بودند، نمایند.^(۲۲)

در مقابل، اتحادیه اروپایی حق ایران را جهت توسعه یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی «ایمن، پایدار و به‌دور از تکثیر» در چارچوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پروتکل الحاقی، به استثنای اقدام به فعالیت‌های غنی‌سازی، به رسمیت شناخته و تعهد می‌نمود تا دسترسی ایران به سوخت مورد نیاز جهت فعالیت مراکز هسته‌ای خود را در سال‌های آینده تضمین کند.^(۲۳) این پیشنهاد، از نگاه ایران، به‌طور طبیعی، حق تفکیک‌ناپذیر او برای «توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای جهت مقاصد صلح‌آمیز»، که به موجب ماده ۴ پیمان منع گسترش دارا بوده است، را مورد نقض قرار می‌داد، از همین‌رو نیز از پذیرش آن سر باز می‌زند. ادامه مذاکرات پس از این همراه با موفقیت نبوده است، به‌ویژه آن‌که ایران مصمم می‌شود تا فعالیت‌های غنی‌سازی خود را در مقیاس محدود، از سر گیرد.^(۲۴) بنابراین شورای حکام جهت تحمیل تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی به ایران، بی‌درنگ اقدام به ارجاع پرونده به شورای امنیت می‌نماید.

ب) درخواست شورای امنیت از ایران برای تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی

در تاریخ ۲۴ سپتامبر سال ۲۰۰۵، به درخواست اتحادیه اروپایی، شورای حکام آژانس طی قطعنامه‌ای مرحله تازه‌ای را در بررسی پرونده هسته‌ای ایران آغاز می‌کند. شورای حکام، در واقع، برای نخستین‌بار تشخیص می‌دهد که آنچه پنهان‌کاری در فعالیت‌های هسته‌ای ایران در گذشته و فقدان اعتماد در رابطه با جنبه صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای آن می‌خواند، پرسش‌هایی را ایجاد کرده است که بررسی آن‌ها در صلاحیت شورای امنیت، به‌عنوان نهادی که مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، می‌باشد. شورای حکام برای ایجاد اعتماد و ترغیب ایران به اتخاذ اقداماتی در راستای شفاف‌سازی‌هایی «که فراتر از الزامات شکلی موافقت‌نامه پادمان و پروتکل الحاقی گسترش یابند»، از ایران می‌خواهد تا فعالیت‌های غنی‌سازی را به‌عنوان اقدامی «داوطلبانه و غیرالزام‌آور از لحاظ حقوقی»^(۲۵) تعلیق نماید؛ چنین درخواستی در قطعنامه شورای حکام در ۴ فوریه ۲۰۰۶ تکرار می‌گردد، چنان که با اشاره به تعلیق در بخش عملیاتی و عدم توصیف آن به‌عنوان اقدامات از لحاظ حقوقی غیرالزام‌آور،^(۲۶) این قطعنامه اهمیت زیادی برای تعلیق کامل و دائم تمام فعالیت‌های غنی‌سازی و بازآوری ایران قائل می‌گردد. شورای حکام با درخواست از مدیرکل آژانس جهت ارائه گزارش به شورای امنیت در رابطه با اقدامات اتخاذ شده توسط آن نهاد در رابطه با برنامه‌های هسته‌ای ایران، با این قطعنامه تصمیم نهایی را برای ارجاع پرونده به شورای امنیت اتخاذ می‌کند. مدیرکل آژانس با گزارش خود فهرستی از مسائل و مشکلات حل‌نشده را با تأکید بر این که برخی از آن‌ها می‌توانند مرتبط با جنبه‌های نظامی باشند، ارائه کرده و اعلام می‌کند که در شرایطی نیست تا نتیجه‌گیری نماید که مواد یا فعالیت هسته‌ای اعلام نشده‌ای در ایران وجود ندارد.^(۲۷)

باید ملاحظه نمود که متأسفانه آغاز روندی که در شورای حکام به ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت انجامید همراه با ایرادی شکلی است که ایران نیز، برای توجیه رد اجرای تصمیمات شورای امنیت، از ذکر آن کوتاهی نکرده است.^(۲۸) در واقع، قطعنامه ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ شورای حکام قصور ایران نسبت به ترتیبات موافقت‌نامه پادمان، چنانچه در گزارش مدیرکل آمده است،^(۲۹) را به‌عنوان یک تخطی، آن‌گونه که در بند ج ماده ۱۲ اساسنامه آژانس به آن اشاره گردیده است، تلقی می‌نماید. در حالی

که بر مبنای این مقرر، اعلام هرگونه تخطی یک دولت عضو پیمان منع گسترش از مقررات و از جمله تشخیص عاری بودن فعالیت‌های هسته‌ای آن از جنبه نظامی، مسئولیتی است که تنها بر عهده هیأت بازرسان آژانس می‌باشد. در مورد ایران، در شرایطی که بازرسان هیچ‌گاه قصور مورد اشاره شورای حکام را به صورت عینی گواهی نکرده‌اند، این نهاد به «ارزیابی کلی» مدیرکل آژانس در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای ایران بسنده کرده است.^(۳۰)

در حالی که ایران «به‌طور جدی خواستار بازگشت به میز مذاکره» بوده است، همان‌گونه که دبیرکل سازمان ملل نیز در آن زمان این موضوع را مورد تأیید قرار داده، ارجاع پرونده به شورای امنیت بسیار شتاب‌زده به نظر می‌رسد. از نظر دبیرکل بررسی پرونده می‌باید «تا حد امکان در چارچوب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» ادامه پیدا می‌نمود و تنها پس از کامل شدن این روند، پرونده به شورای امنیت ارجاع می‌گردید.^(۳۱) به این ترتیب نمی‌توان، متأسفانه، غلبه ملاحظات سیاسی را نادیده گرفت. آمریکا ارجاع این پرونده به شورای امنیت را، که دستاورد سیاسی بزرگی برای بنیان آن تلقی می‌گردید، بی‌درنگ به‌عنوان موفقیتی چشمگیر برای دستگاه دیپلماسی خود توصیف کرده است.^(۳۲) دخالت شورای امنیت، در واقع، باعث گردید تا درخواست غیرمنطقی آژانس از ایران مبنی بر توقف غنی‌سازی اورانیوم و اجرای مقررات پروتکل الحاقی، به‌ظاهر از پشتوانه حقوقی الزام‌آور و نیز فشار سیاسی افزون‌تری برخوردار گردد.^(۳۳) دلیل توسل به شورای امنیت نیز همین مسأله بوده است. شورای امنیت در نخستین قطعنامه‌ای که به تصویب می‌رساند تصریح می‌کند که در چارچوب ماده ۴۰ از فصل هفتم منشور عمل کرده «تا تعلیق خواسته‌شده توسط آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را الزام‌آور نماید». شورای امنیت، بنابراین، از ایران می‌خواهد تا تحت نظارت آژانس «تمام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفروری و از آن جمله توسعه و تحقیقات» را معلق کند، هم‌چنین خواستار آن می‌شود تا ایران «برطبق مقررات پروتکل الحاقی عمل کرده و بی‌درنگ کلیه اقدامات شفاف‌سازی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ممکن است جهت الزامات بازرسی‌های در جریان، خواستار اجرای آن‌ها گردد را اتخاذ نماید».^(۳۴)

شورای امنیت برای وادار کردن ایران به پذیرش این درخواست‌ها، از تمام دولت‌ها می‌خواهد تا از انتقال هرگونه محصول، مواد و کالایی که قابل استفاده در فعالیت‌های هسته‌ای و بالستیک ایران باشند، جلوگیری نمایند؛ این فهرست طی

قطعه‌نامه‌های بعدی افزایش یافته است. همچنین از دولت‌ها درخواست گردیده تا ورود اشخاصی که در این فعالیت‌ها مشارکت دارند و شورا از آن‌ها نام برده است را به قلمرو تحت حاکمیت خود اطلاع دهند.^(۳۵) با این رویه، بدیهی است که این نهاد امکان در پیش گرفتن مجموعه وسیع‌تری از مجازات‌ها و اقدامات بازدارنده برای اجبار ایران به اجرای قطعه‌نامه‌های خود را دارد. با وجود این، شورا در قطعه‌نامه دیگری که به سال ۲۰۰۸ باز می‌گردد تنها به تأیید دوباره محتوای قطعه‌نامه‌های پیشین بسنده می‌کند.^(۳۶) بی‌تردید این فقدان قاطعیت ناشی از عدم توافق میان اعضای دائم شورای امنیت می‌باشد، چرا که خواست چین و روسیه همواره بر ارجحیت راه‌حل دیپلماتیک از طریق ادامه مذاکرات بوده است. شورای امنیت نیز با پذیرش پیشنهاد اعضای دائم و همچنین آلمان که از سوی نماینده ارشد اتحادیه اروپایی حمایت می‌شد، امکان چنین راه‌حلی را از نظر دور نداشته است. این پیشنهادها دستیابی به یک «سازوکار گسترده و بلندمدتی که امکان روابط و پیوندهای همکاری با ایران بر مبنای احترام متقابل و برقراری اعتماد بین‌المللی نسبت به ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه‌های هسته‌ای ایران را ایجاد کنند»^(۳۷) را خواستار می‌باشند. این دولت‌ها در نخستین گام سعی کردند تا نگرانی‌های ایران نسبت به حق غنی‌سازی خود را رفع نمایند. در پیشنهاد ۶ ژوئن سال ۲۰۰۸ خود تأکید می‌کنند «که به مجرد برقراری اعتماد جامعه بین‌المللی نسبت به ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه‌های هسته‌ای ایران، با این دولت نیز مانند سایر دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای عضو ان.پی.تی رفتار خواهد شد».^(۳۸) با این حال، برای ایران و به این منظور که از سرگیری فعالیت‌های غنی‌سازی به زمانی نامعلوم محول نشود، مشخص شدن معنای «برقراری اعتماد بین‌المللی» لازم به نظر می‌رسید. به هر روی، در هر مذاکره‌ای طرفین باید بتوانند به یکدیگر اعتماد نمایند. حال آن‌که ایران به صداقت فرانسه و بیش از آن آمریکا که به تهدید کاربرد زور در برابر ایران، در حالی که مذاکرات همچنان در جریان بود ادامه می‌داد، تردید دارد.^(۳۹) از سوی دیگر، سر باز زدن آمریکا از برداشتن تحریم‌هایی که بر ایران تحمیل کرده است^(۴۰) و همچنین منع کردن مدیرکل آژانس از انتقال اسناد مرتبط با موضوعات طرح شده، که به دلیل محرمانه بودن به اطلاع ایران نرسیده‌اند، بر مشکلات گفتگو میان آژانس و ایران افزوده است.^(۴۱) چنین رفتارهایی، که

مدیرکل سابق آژانس نیز از آن‌ها گله‌مند بوده است، غیرسازنده بوده و از همین روی باعث شکست مذاکرات گردیده‌اند.^(۴۲)

سیاست آشتی‌جویانه باراک اوباما که به نظر می‌رسید تغییر رژیم سیاسی در ایران را کنار گذاشته است،^(۴۳) در ابتدا امیدهایی را برای پیشرفت مذاکرات ایجاد کرده بود، اما در پی اتخاذ «بازنگری در وضعیت هسته‌ای»^(۴۴) توسط آمریکا و کنفرانس خبری آن که در ۶ آوریل ۲۰۱۰ برگزار گردید،^(۴۵) امیدهای اولیه کم‌رنگ‌تر گشته‌اند. در این کنفرانس خبری که مقامات ارشد دولت آمریکا در آن حضور داشته‌اند، اعلام می‌گردد که براساس سیاست جدید، آمریکا در مقابل کشورهای فاقد سلاح‌هسته‌ای عضو ان.پی.تی از سلاح‌هسته‌ای استفاده نخواهد کرد و اضافه می‌کنند که این سیاست «پیامی قوی برای دولت‌هایی مانند ایران و کره‌شمالی در بر دارد».^(۴۶) با این حال، حکومت جدید آمریکا تعهد خود را برای آغاز روند خلع‌سلاح عمومی و کامل اعلام کرده است.^(۴۷) در همین چارچوب است که می‌باید وضعیت خاص اسرائیل را مورد بررسی قرار داده و به سیاست «یک بام و دو هوا»، که دیر زمانی است که مورد اعتراض ایران قرار گرفته است، پایان داد.^(۴۸)

دوم: نگرانی‌های آژانس نسبت به امتناع اسرائیل از تحت بازرسی قرار دادن فعالیت‌های هسته‌ای خود

اسرائیل نخستین دولت خاورمیانه می‌باشد که، کمی بعد از تأسیس، اقدام به آغاز فعالیت‌های اتمی نموده است. فرانسه با تحویل رآکتور دیمونا، که با قدرت ۲۵ مگاوات در صحرای نقب قرار گرفته است، نقش به‌سزایی در انتقال دانش هسته‌ای به اسرائیل ایفا کرده است. پس از آن، همکاری با دولت آفریقای جنوبی، در دوره آپارتاید، به این رژیم در تکمیل دانش خود در این زمینه کمک کرده است.^(۴۹) جنبه نظامی برنامه‌های هسته‌ای اسرائیل موضوعی نامشخص بوده و در این زمینه سیاست ابهام، مبنی بر تکذیب نکردن وجود زرادخانه هسته‌ای و نه تأیید آن را پیگیری می‌نماید. اتخاذ چنین موضعی دارای این ویژگی بوده است که سیاست همراهی آمریکا با اسرائیل را پنهان نگاه داشته و در رابطه با توانایی پاسخ نظامی، که مبنای سیاست بازدارندگی اسرائیل در برابر دولت‌های متخاصم تلقی می‌شود، ابهاماتی ایجاد کرده است. با این

حال، به نظر می‌رسد که اسرائیل، در پی افشاگری یکی از متخصصین مرکز هسته‌ای دیمونا در رابطه با وجود یک برنامه هسته‌ای نظامی،^(۵۰) نمی‌تواند دیگر واقعیتی که بر همگان آشکار گردیده را پنهان نماید؛ این مسأله بعدها با اظهارات نخست‌وزیر سابق اسرائیل اهود اولمرت تأیید شده و به این ترتیب اسرائیل را به فهرست دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای افزوده است.^(۵۱) اما بهترین دلیل بر اثبات وجود فعالیت‌های هسته‌ای در جهت مقاصد نظامی در اسرائیل امتناع دائم این رژیم، با وجود درخواست‌های شورای امنیت، از تحت بازرسی آژانس قراردادن فعالیت‌های هسته‌ای خود می‌باشد.^(۵۲) این موضوع که اسرائیل دارای چند صد کلاهک هسته‌ای است امری پذیرفته شده است. اسرائیل، افزون بر آن، موشک‌های دور برد خود با نام هارپون را به سلاح‌های هسته‌ای تجهیز کرده است.^(۵۳) وجود همین اطلاعات و نشانه‌ها بود که زنگ خطر را برای مجمع عمومی به صدا در می‌آورد. با این ارزیابی که توانایی هسته‌ای اسرائیل ماهیتاً وضعیت خاورمیانه را بحرانی‌تر خواهد کرد، مجمع عمومی ایده ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه را مطرح کرده است. ایجاد چنین منطقه‌ای، که منظور از آن پایان دادن به انباشت سلاح‌های هسته‌ای توسط اسرائیل می‌باشد، مستلزم افزایش سطح اعتماد میان دولت‌های خاورمیانه خواهد بود.

الف) ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه

در پی نگرانی‌هایی که در رابطه با توسل اسرائیل به سلاح هسته‌ای برای مقابله با ارتش مصر در هنگام مخاصمه اکتبر سال ۱۹۷۳ ایجاد شده بود،^(۵۴) ایران دست به ابتکار طرح ایده ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه می‌زند.^(۵۵) این طرح مورد پذیرش مصر قرار می‌گیرد؛ مجمع عمومی نیز بر آن تأکید کرده و به همین منظور قطعنامه‌ای را نیز جهت حمایت از طرحی که هدف از اجرای آن جلوگیری از رقابتی ویرانگر برای دستیابی به سلاح هسته‌ای میان دولت‌های منطقه بوده است، به تصویب می‌رساند. برای تحقق این هدف، مجمع عمومی از دولت‌هایی که در خاورمیانه هنوز به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نپیوسته بودند می‌خواهد که بی‌درنگ آن‌را مورد تصویب قرار دهند.^(۵۶)

از آن زمان این طرح به راه خود ادامه داده و از حمایت روزافزونی نیز برخوردار گشته است. در پی توافقات صلح کمپ دیوید در سال ۱۹۸۰، اسرائیل با عدم مخالفت با وفاق اجماعی که هنگام تصمیم‌گیری قطعنامه‌های سالانه مجمع عمومی در رابطه با این موضوع به وجود آمده بود، موافقت اصولی خود را نسبت به ایجاد چنین منطقه‌ای ابراز داشت. در سال ۱۹۹۰، در کنفرانس خلع سلاح، مصر پیشنهادی مبنی بر عاری‌ساختن این منطقه، هم از سلاح‌های هسته‌ای و هم از کلیه سلاح‌های کشتار جمعی ارائه داد.^(۵۷) شورای امنیت نیز که در آن زمان انهدام سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک عراق را به‌عنوان گامی در جهت ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه ارزیابی کرده بود، این طرح را مورد تأیید قرار داد.^(۵۸) مرتبط نمودن رویه انهدام زرادخانه عراق به سایر دولت‌های خاورمیانه جهت از میان بردن زرادخانه‌های آنان، و از جمله زرادخانه اسرائیل، بدون تردید طرح بی‌سابقه‌ای بوده است که شورای امنیت برای پرهیز از هرگونه اتهامی مبنی بر جانبداری از اسرائیل، مصمم به آن گردیده بود.^(۵۹) همین نگرانی شورای امنیت را به این ارزیابی رساند که «حل مسأله هسته‌ای ایران در تلاش‌های جهانی جهت منع گسترش و همچنین تحقق هدف خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی اثرگذار خواهد بود».^(۶۰) این پیوند، که پیش از این با قطعنامه شورای حکام آژانس ایجاد گردیده بود، مورد اشاره شورای امنیت قرار گرفت.^(۶۱)

اهتمام آژانس نسبت به ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی از قطعنامه‌ای که در رابطه با خاورمیانه در کنفرانس بازنگری ان.پی.تی در سال ۱۹۹۵ و با وفاق عام به تصویب رسید، تفکیک‌ناپذیر است.^(۶۲) این قطعنامه به نفع ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه اعلام موضع کرده و دولت‌هایی در منطقه که هنوز به این پیمان نپیوسته‌اند را به پیوستن بدون تأخیر به آن تشویق می‌کند. تصویب این قطعنامه مورد تأیید دولت‌های عرب، که خواهان پایان انباشت سلاح‌های هسته‌ای توسط اسرائیل و نگران معلق ماندن نامحدود ان.پی.تی بوده‌اند، قرار گرفت. با وجود این که این قطعنامه به‌طور صریح از اسرائیل نام نبرده است و امارات عربی متحده، عمان و جیبوتی که در آن زمان هنوز به ان.پی.تی نپیوسته بودند^(۶۳) را نیز مورد اشاره قرار داده، اما مشخص است که دولت اصلی مورد نظر قطعنامه اسرائیل می‌باشد. در واقع، گزارش کمیسیون سوم، که مبنای این قطعنامه بوده است، به صراحت از اسرائیل نام می‌برد.^(۶۴) در زمان کنفرانس بازنگری ان.پی.تی در سال ۲۰۰۰ به این مسأله

دوباره پرداخته شد و این بار دولت‌های عرب موفق شدند تا در سند نهایی با اشاره صریح به اسرائیل، بر این نکته که این رژیم تنها دولت خاورمیانه است که به این پیمان نپیوسته، تأکید نمایند.^(۶۵) با این حال، این موضوع باعث نمی‌گردد تا دولت‌های غربی و در رأس آن‌ها آمریکا به رفتار جانبدارانه خود نسبت به اسرائیل به هنگام کنفرانس بازنگری پیمان در سال ۲۰۰۵ ادامه ندهند؛ از همین‌رو در این کنفرانس هیچ تصمیمی در رابطه با ایجاد سازوکاری برای پیگیری قطعنامه سال ۱۹۹۵ در مورد خاورمیانه اتخاذ نگردید.^(۶۶)

پس از آن، دولت‌های عرب که احساس می‌کردند در این مسأله فریب داده شده‌اند، مصمم شدند تا در نشست آینده کنفرانس بازنگری پیمان در سال ۲۰۱۰، جهت نشان دادن قاطعیت خود نسبت به این امر استفاده کنند. به باور این دولت‌ها مسأله تمدید نامحدود پیمان منع گسترش و موضوع ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای به یکدیگر مرتبط بوده و یک کلیت تفکیک‌ناپذیر را تشکیل می‌دهند. عدم تعهدپذیری نسبت به ایجاد این منطقه در واقع معنایی جز بی‌اعتبار کردن تصمیماتی که در کنفرانس سال ۱۹۹۵ در رابطه با تمدید نامحدود پیمان اتخاذ گردیده، نخواهد داشت.^(۶۷) با وجود این، همان‌گونه که از کارهای مقدماتی کنفرانس سال ۲۰۱۰ نیز برمی‌آید، امیدواری‌هایی در رابطه با اجرای سازوکاری جهت پیگیری قطعنامه مربوط به خاورمیانه توسط این کنفرانس وجود داشت، هر چند که این امر به برگزاری کنفرانس دیگری با شرکت دولت‌های خاورمیانه در سال ۲۰۱۲ موکول گردید.^(۶۸) علاقه دولت‌های خاورمیانه نسبت به انرژی هسته‌ای،^(۶۹) و همراه آن بالا رفتن خطرات اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در این منطقه، ضرورت اتخاذ سریع تصمیم در این زمینه را آشکار می‌سازد. موضع‌گیری‌های اخیر نشان می‌دهند که دولت‌ها نسبت به این موضوع به‌طور کامل آگاه هستند. در این رابطه بیانیه ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۸ پاریس به منظور ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی، که در پایان نشست سران ۴۳ دولت مجمع کشورهای حوزه مدیترانه اتخاذ گردید، نمونه‌ای بارز می‌باشد.^(۷۰) دولت‌های ذی‌نفع از این پس می‌باید جهت اعتمادسازی متقابل در راستای تضمین ایجاد چنین منطقه‌ای در خاورمیانه، مذاکرات جدی را در پیش گیرند.

ب) تضمین‌های امنیتی برای دولت‌های خاورمیانه

شش معاهده‌ای که تاکنون در رابطه با ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای منعقد شده‌اند بر مبنای ماده ۷ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شکل گرفته‌اند؛ این مقرر حق گروهی از دولت‌ها برای انعقاد پیمان‌های منطقه‌ای به منظور اطمینان از امحای کامل چنین سلاح‌هایی را در مناطق تحت حاکمیت‌شان، محفوظ داشته است. با وجود این، منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای از لحاظ موضوعی از مفهوم گسترده‌تری نسبت به منطقه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای برخوردار است. در واقع، برخلاف پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، دولت‌هایی که عضو چنین معاهداتی هستند، نمی‌توانند به دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای اجازه استقرار این سلاح‌ها را در قلمرو تحت حاکمیت‌شان بدهند؛ بدین‌وسیله این مناطق تحت وضعیتی قرار می‌گیرند که خصیصه بارز آن امحای کامل سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد. اما گذشته از این تفاوت معنایی، تعهداتی که بر عهده دولت‌های عضو قرار می‌گیرند همانند تعهداتی خواهند بود که دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای با پیوستن به آن‌ها می‌باید عهده‌دار آن گردند، همانند: تعهد به عدم دستیابی و در اختیار گرفتن سلاح‌های هسته‌ای و نیز اجرای موافقت‌نامه پادمان که با آژانس منعقد می‌کنند و پیوستن به پروتکل الحاقی. تعهدات دولت‌هایی که عضو پیمان‌هایی هستند که هدف از آن‌ها ایجاد چنین مناطقی است، توسط مجمع عمومی سازمان ملل معین شده^(۷۱) و جزئیات این تعهدات نیز در چارچوب دستورالعمل‌های کمیسیون خلع سلاح در سال ۱۹۹۹ مشخص گردیده‌اند.^(۷۲)

بدیهی است که دولت‌های خاورمیانه، که در منطقه‌ای بحرانی قرار گرفته‌اند، نمی‌توانند تنها به موافقت‌نامه‌های پادمانی که با آژانس منعقد گردیده، بسنده کنند. ترتیبات دیگری جهت اعتمادسازی، که برخی از آن‌ها دارای بُعد سیاسی خواهند بود، می‌باید به منظور تحقق شرایط لازم برای ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی منعقد گردند. صرف‌نظر کردن از سلاح‌های هسته‌ای برای رژیم اسرائیل، که همواره برای تأمین امنیت خود به زرادخانه سلاح‌های هسته‌ای اتکا داشته است، پیش از اطمینان یافتن از صلح چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. مرتبط دانستن ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای با مسأله گفتگوهای صلح با دولت‌های عربی، موضوعی است که بارها مورد اشاره اسرائیل قرار گرفته است.^(۷۳) علاوه بر این، اسرائیل خواهان آن گردیده است که دولت‌های عرب، به‌منظور انجام اقداماتی بیشتر جهت اعتمادسازی،

به‌طور جدی سطح سلاح‌های متعارف خود را نیز کاهش دهند؛^(۷۴) دولت‌های عرب چنین پیشنهادی را نپذیرفته‌اند، چرا که بر خلاف دیدگاه اسرائیل این دولت‌ها بر این باورند که ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای است که می‌تواند به استقرار صلح در خاورمیانه کمک نماید.^(۷۵)

با در نظر گرفتن درگیری‌های مسلحانه اخیر، باید اذعان نمود که برتری تسلیحات متعارف اسرائیل در مقایسه با کشورهای همسایه به‌گونه‌ای است که اگر این رژیم از زرادخانه سلاح‌های هسته‌ای خود، که کارآیی نظامی آن‌ها در دنیای کنونی دیگر مؤثر نمی‌باشد، صرف‌نظر کند، تأثیر چندانی در سیاست بازدارندگی این رژیم نخواهد گذاشت. در برابر می‌توان امیدوار بود که خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل، پایانی باشد بر غرور و ماجراجویی این رژیم تا گردانندگان آن احترام بیشتری برای طرح‌هایی که به آن‌ها پیشنهاد گردیده، قائل شوند.^(۷۶) هر چند نمی‌توان انکار نمود که چنین احتمالی در حال حاضر چندان واقع‌گرایانه به‌نظر نمی‌رسد. تنها گزینه‌ای که به‌نظر قابلیت گرد هم آوردن بازیگران اصلی را در آینده‌ای که می‌باید آرزو نمود که چندان دور نباشد، دارد پیشنهاد ارائه‌شده توسط کمیسیون گسترش سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد. این پیشنهاد ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی را در چارچوب یک صلح فراگیر توصیه می‌نماید.^(۷۷) در چنین شرایطی ضروری به نظر می‌رسد که تمام دولت‌هایی که قلمرو تحت حاکمیت‌شان در منطقه عاری از تسلیحات قرار خواهد گرفت، از جمله ایران، در این روند مشارکت نمایند.

در زمانی که می‌باید منتظر ماند تا شرایط سیاسی مناسبی برای شروع چنین تحولی فراهم آید، مذاکرات غیررسمی می‌توانند در سطح کارشناسان دولت‌ها به‌منظور پیشنهاد اقداماتی جهت اعتمادسازی آغاز گردند. مدیرکل آژانس نیز طی گزارش اخیر خود درباره اجرای بازرسی‌های آژانس در خاورمیانه، ضمن پیشنهاد تشکیل نشست در این رابطه، از چنین راه‌حلی حمایت کرده است.^(۷۸) این پیشنهاد، از سوی دیگر، تأیید کنفرانس عمومی آژانس که در سال ۲۰۰۹ تشکیل شد را نیز به‌دست آورده است.^(۷۹) در میان اقدامات عملی که برای کمک به ایجاد منطقه عاری از تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه می‌باید اتخاذ گردیده و در نشست ذکرشده مطرح شوند، برخی از اهمیت به‌سزایی برخوردارند.

در رأس آن‌ها می‌توان به موضوع تعیین مقرراتی در رابطه با موشک‌های بالستیک که می‌توانند به‌عنوان حامل جهت پرتاب سلاح‌های کشتار جمعی به‌کار گرفته شوند، اشاره نمود. تمام قطعنامه‌های شورای امنیت که تاکنون به مسأله عدم گسترش این تسلیحات پرداخته‌اند، نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نبوده‌اند. اقدامات محدودکننده‌ای که شورای امنیت در خصوص نقل و انتقال تجهیزات مرتبط با فناوری هسته‌ای در رابطه با ایران اتخاذ کرده است، همان‌گونه که به فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفراوری اورانیوم اشاره دارند، برنامه موشک‌های بالستیک را نیز از نظر دور نداشته‌اند.^(۸۰) در قضیه عراق، شورای امنیت تنها خواستار امحای سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک نمی‌شود بلکه موشک‌های بالستیک با برد بیش از ۱۵۰ کیلومتر را نیز مورد اشاره قرار می‌دهد.^(۸۱) می‌شود این پرسش را طرح نمود که در خصوص اعتمادسازی بین رژیم صهیونیستی و همسایگانش آیا می‌توان از این محدودیت به‌عنوان یکی از اقدامات قابل انجام در راستای اعتمادسازی یاد کرد؟ هم‌چنین باید به فعالیت‌های فضایی این رژیم توجه داشت، چرا که فناوری به‌کار گرفته شده در این حوزه، می‌تواند جهت ساخت موشک‌های بالستیک مورد بهره‌برداری قرار گیرد.^(۸۲)

تضمین امنیتی دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود، متعهد شدن دولت‌های منطقه نسبت به عدم حمله یا تهدید به حمله به تأسیسات هسته‌ای می‌باشد. این تعهد از آن‌جا دارای اهمیت ویژه‌ای است که اسرائیل بارها چنین رویه‌ای را تکرار کرده است: حمله و انهدام تأسیسات هسته‌ای تموز در عراق در ۷ ژوئن ۱۹۸۱، و پس از آن تأسیسات دیرالزور در سوریه در ۶ سپتامبر ۲۰۰۷، هم‌چنین تهدیدهای چندباره بر علیه تأسیسات هسته‌ای ایران؛^(۸۳) رژیم صهیونیستی تمام این اقدامات را با استناد به مفهوم دفاع مشروع پیش‌گیرانه توجیه می‌نماید. همان‌گونه که می‌دانیم، شورای امنیت چنین توجیهی را نپذیرفته است؛ این شورا یک روز پس از حمله اسرائیل به تموز از این رژیم می‌خواهد تا «در آینده از این‌گونه حمله‌ها یا تهدید به انجام آن بپرهیزد».^(۸۴) از آن زمان، هم در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و هم طی کنفرانس‌های عمومی آژانس در رابطه با ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، ضرورت اتخاذ «اقدامات مناسب جهت منع حمله‌های نظامی در برابر تأسیسات هسته‌ای» مورد تصریح قرار گرفته است.^(۸۵)

نتیجه‌گیری

گسترده‌گی مسائلی که طرح گردید، دشواری‌ها و اختلافات موجود میان بازیگران اصلی را نمایان می‌سازند، تا آن‌جا که «محتوا و چگونگی توافقی در رابطه با ایجاد یک منطقه‌ی عاری از سلاح‌های کشتارجمعی در خاورمیانه به‌طور کلی مبهم باقی مانده است».^(۸۶) این امیدواری بود که کنفرانس بازنگری ان.پی.تی (۳ تا ۲۸ می سال ۲۰۱۰) بتواند این پیمان را تقویت کرده و اهداف «واقع‌گرایانه و قابل‌حصولی» را در رابطه با سه اصلی که پیمان بر آن‌ها بنا گردیده است، وضع نماید: منع گسترش، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و خلع سلاح؛^(۸۷) اهدافی که محقق شدن آن‌ها مانع از درهم‌شکستن رژیم منع گسترش، که بر پایه این پیمان ایجاد گردیده است، خواهد شد و بر جاذبه آن برای دولت‌ها خواهد افزود. به همین منظور دولت‌های دارای انرژی هسته‌ای می‌باید حق تفکیک‌ناپذیر همه دولت‌های عضو این پیمان برای توسعه تحقیقات، تولید و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را محترم شمارند؛ به بیان دیگر حق دولت‌ها را برای دراختیار گرفتن چرخه کامل سوخت هسته‌ای همراه با غنی‌سازی اورانیوم و همچنین حق آن‌ها را برای دسترسی به بازار بین‌المللی سوخت هسته‌ای. دولت‌های مجهز به سلاح‌های هسته‌ای نیز، همان‌گونه که براساس ماده ۶ پیمان به این امر متعهد گردیده‌اند، در نهایت می‌باید مذاکراتی جهت رسیدن به توافقی در رابطه با خلع سلاح عمومی و کامل را با حسن‌نیت به انجام رسانند.^(۸۸) در زمانی که باید در انتظار تحقق این اقدامات دشوار ماند،^(۸۹) ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های کشتارجمعی، از جمله منطقه‌ای که برای خاورمیانه در نظر گرفته شده است، می‌تواند رژیم منع گسترش را استحکام بخشیده و به محقق شدن اهداف خلع سلاح هسته‌ای در مقیاس جهانی یاری رساند.

یادداشت‌ها

1. Dans une liberté plus grande : développement, sécurité et respect des droits de l'homme pour tous », Rapport du Secrétaire général, A/59/2005 – 24 mars 2005, p. 33.
2. «Un monde plus sûr, notre affaire à tous », 1/59/565–2 décembre 2004, §109.
گزارش گروه شخصیت‌های بلندپایه در رابطه با تهدیدها، چالش‌ها و تغییرات.
۳. ایران در تاریخ ۲ فوریه ۱۹۷۰ معاهده منع گسترش را به تصویب رسانده است.
۴. ایران در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۷۴ موافقت‌نامه پادمان را با آژانس منعقد کرده است: INFCIRC/214.
5. Soltanieh, Ali A. “Iranian Activities and Interaction with the IAEA”, *Atoms for Peace: an International Journal*, Vol. I, n° 1, 2005, p. 98.
نویسنده، که در حال حاضر سفیر و نماینده دائم ایران نزد آژانس می‌باشد، به مقرره‌ای از موافقت‌نامه پادمان که توسط ایران منعقد شده است استناد می‌نماید که براساس آن تصریح گردیده که ایران می‌باید فعالیت‌های خود را ۱۸۰ روز پیش از تزریق مواد هسته‌ای به سانتریفیوژها به اطلاع آژانس برساند.
6. Rés. 1803 – 3 mars 2008, 5^{ème} considérant du préambule.
7. GOV / 2005 /67 – 2 septembre 2005.
در این گزارش مدیرکل آژانس اظهار می‌دارد:
« The results of the analysis tend, on balance, to support Iran’s statement about the foreign origin of the observed HFU contamination ».
8. GOV/2003/40 – 6 juin 2003.
9. GOV/2003/69 – 12 septembre 2003.
10. Shaker, Mohammad Ibrahim, *the Evolving International Regime of Nuclear Non-Proliferation*, RCADI, Tome. 321 (2007), p. 93.
نویسنده این ارزیابی را دارد که ایران براساس ماده ۴ ان.پی.تی از حق غنی‌سازی اورانیوم برخوردار می‌باشد و برای دفاع از این نظر به گزارش کمیسیون سازمان ملل متحد در رابطه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی استناد می‌نماید. نگاه کنید به:
« Les armes de terreur. Débarrasser le monde des armes nucléaires, biologiques et chimiques », A/60/934 – 10 juillet 2000, pp. 71-72.
11. Zarif, Mohammad-Javad, “Tackling the Iran-US Crisis: the Need for a Paradigm Shift”, *Journal of International Affairs*, Spring-Summer 2007, Vol. 60, n° 2, p. 78.

12. The US-Iran Nuclear Energy Agreement Department of State Memorandum, 20th October 1978.

13. Stein, Roger, "The Iranian Petroleum Crisis and United States", *National Security*, 104, n° 1377, PNAS (Proceedings of the National Academy of Science), 2 January 2007, International Monetary Fund, Islamic Republic of Iran: Statistical Appendix IMF Report 04/307 (Washington DC, International Monetary Fund 2004).

۱۴. اظهارات علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، در کنفرانس عمومی آژانس، سپتامبر ۲۰۰۹.

15. Rapport d'information de la Commission des affaires étrangères de l'Assemblée nationale française en conclusion d'une mission d'information sur « l'Iran et l'équilibre géopolitique au Moyen-Orient », Rapport 1324 – 18 décembre 2008, pp. 121-122.

ایران و فرانسه در سال ۱۹۷۴ موافقت‌نامه‌ای را منعقد کردند که براساس آن یک شرکت ایرانی-فرانسوی جهت غنی‌سازی با فناوری توزیع‌گازی توسط این دولت‌ها تأسیس گردید (SOFIDEF)؛ این مشارکت به ایران اجازه می‌داد تا اورانیوم با درصد غنای پایین را جهت فعالیت رآکتورهای خود خریداری نماید.

16. Etemad, Akbar, « Quelques questions aux Européens », *Le Monde*, 20 janvier 2005.

نویسنده تا سال ۱۹۷۹ رئیس سازمان انرژی اتمی ایران بوده است.

۱۷. پیشنهاد مدیرکل آژانس مبنی بر انعقاد موافقت‌نامه‌ای که براساس آن ایران بخشی از اورانیوم با درصد غنای پایین خود را می‌باید با سوختی که از سوی روسیه و فرانسه تحویل داده می‌شد مبادله می‌نمود؛ این پیشنهاد به خاطر عدم حصول توافق بر سر نحوه انتقال به نتیجه‌ای منجر نمی‌گردد. همچنین پیشنهاد ایران جهت امانت‌گذاری اورانیوم خود تا زمان تحویل سوخت مورد ملاحظه قرار نمی‌گیرد. نگاه کنید به: اظهارات مدیرکل آژانس در نشست ۲۶ نوامبر سال ۲۰۰۹ در شورای حکام.

۱۸. از جمله موضوعات مورد نگرانی گروه شخصیت‌های بلندپایه. «در رابطه با حصول توافقی مبتنی بر ترتیبات کنونی مواد ۳ و ۴ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که بر اساس آن‌ها آژانس از این صلاحیت برخوردار گردد تا به‌عنوان ضامن جهت تأمین مواد قابل شکافت برای استفاده‌کنندگان از انرژی هسته‌ای در مقاصد غیرنظامی عمل کند»، این گروه خواستار انجام

مذاکراتی گردیده است Cf. Rapport Op.Cit.2, 130

دبیرکل سازمان ملل نیز به نوبه خود بر این باور است که می‌باید «تلاش نمود تا با تضمین نمودن تأمین سوخت مورد نیاز دولت‌ها جهت مصارف صلح‌آمیز، آنان را ترغیب کرد تا

خودشان از تجهیز شدن به وسائل تولید اورانیوم غنی‌شده و جداسازی پلوتونیوم صرف‌نظر نمایند.»

Cf. op.cit.1, « Dans une liberté plus grande », p. 93.

۱۹. متن موافقت‌نامه در این سند آمده است:

INFCIRC /637 du 26 novembre 2004.

۲۰. نمونه پروتکل الحاقی که توسط شورای حکام در ماه می ۱۹۹۷ به تصویب رسیده است. دولت‌هایی که تاکنون موافقت‌نامه پادمان را منعقد کرده‌اند می‌توانند این سند را به تصویب رسانند. با الحاق به آن، دولت‌ها می‌پذیرند تا مجموعه‌ای از اطلاعات تکمیلی را درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود در اختیار آژانس گذارند و همچنین به منظور اطمینان از آن که هیچ نکته‌ای در اظهارات‌شان از قلم نیافتاده است، موافقت می‌نمایند تا امکانات بیشتری را جهت راستی‌آزمایی در اختیار بازرسان آژانس قرار دهند.

Cf. Hirsch, Theodor, "IAEA Additional Protocol: What it is and Why it Matters", *The Non-Proliferation Review*, Vol. 11, n° 3, Fall-Winter 2004, pp. 140-163.

۲۱. نامه ایران به مدیرکل در تاریخ ۱۰ نوامبر سال ۲۰۰۳. ایران پروتکل الحاقی را در ۱۸ دسامبر سال ۲۰۰۳ به امضا رسانده است.

۲۲. قطعنامه شورای حکام در تاریخ ۱۸ ژوئن سال ۲۰۰۴: GOV/2004/49.

23. INFCIRC/651 – 8 août 2005, § 34.

۲۴. براساس اظهارات مسئولین سازمان انرژی اتمی فعالیت‌های غنی‌سازی در تاریخ ۸ اوت ۲۰۰۵ در کارخانه اصفهان از سر گرفته شد.

25. GOV/2005/77 – 24 septembre 2005.

26. GOV/2006/14 - 4 février 2006.

27. GOV/2006/15 – 27 février 2006.

از این تاریخ تمام گزارش‌های ارائه شده توسط مدیرکل بر این نکته تأکید دارند که تا زمانی که ایران ترتیبات پروتکل الحاقی را نپذیرفته است، او در شرایطی نیست که در رابطه با جنبه نظامی نداشتن فعالیت‌های هسته‌ای ایران سخنی گوید. نگاه کنید به: گزارش آخر مدیرکل در شورای حکام آژانس در ۱۸ فوریه سال ۲۰۱۰: GOV/2010/10.

۲۸. نامه ایران به آژانس: INFCIRC – 2 février 2006.

29. GOV/2003/75 – 14 novembre 2003 et GOV/2005/67 - 7 septembre 2005.

۳۰. قطعنامه ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴ شورای حکام که بر اساس «ارزیابی کلی» مدیرکل صادر شده است.

۳۱. اظهارات دبیرکل در تاریخ ۱۲ ژانویه سال ۲۰۰۶، به نقل از:

Millet-Devalle, Anne-Sophie, « Traité de non-prolifération et situation de l'Iran (16 décembre 2005 – 29 mars 2006) », Tome 10, *RGDIP*, Chronique des faits internationaux, p. 467 (2006/2).

۳۲. اظهارات جان بولتون نماینده دائم اسبق آمریکا در سازمان ملل متحد.

Cf. *Le Monde* 10 mars 2006.

33. Pouëzat, Delphine, « L'Agence internationale de l'énergie atomique et le Conseil de sécurité des Nations Unies », *AFDI*, 2005, p.8 et Weckel, Philippe, « Le Conseil de sécurité des Nations Unies et l'arme nucléaire », *AFDI*, 2006, p. 189.

34. Rés. 1696 – 31 juillet 2006 § 1, 2 et 6.

35. Rés. 1737 – 27 novembre 2006 ; Rés. 1747 – 2 avril 2007 ; Rés. 1803 – 3 mars 2008 et Rés. 1835 – 27 septembre 2008.

همه قطعنامه‌های مذکور در چارچوب فصل هفتم منشور صادر گردیده‌اند.

۳۶. قطعنامه ۱۸۳۵ شورا در ۲۷ سپتامبر سال ۲۰۰۸. قطعنامه ۱۸۸۷ که در تاریخ ۲۴ سپتامبر سال ۲۰۰۹ در حضور رؤسای دولت‌های عضو به تصویب رسید، در مقدمه خود مجموعه قطعنامه‌های پیشین را مورد تأیید دوباره قرار داده است.

37. Rés. 1696 – 31 juillet 2006.

38. INFCIRC/723 – 6 juin 2008.

۳۹. در ۱۷ سپتامبر سال ۲۰۰۷، برنارد کوشنر، وزیر امور خارجه فرانسه، در تلویزیون این کشور اعلام می‌کند: «ما باید خود را برای بدترین آماده کنیم، و بدترین جنگ است». کمی پیش از این، در ۵ مارس ۲۰۰۶، جان بولتون نیز این‌گونه اظهار نظر کرده بود: «ما به شورای امنیت تکیه نمی‌کنیم به طوری که تنها ابزار در دسترس ما ابراز و بیان مشکل باشد».

Cf. Zarif, M.J., op.cit.11, p.87.

۴۰. منظور تحریم‌هایی می‌باشند که در کنگره آمریکا تصویب شده و توسط رئیس جمهور آمریکا نیز در تاریخ ۴ اوت ۱۹۹۶ به امضا رسیدند (قانون آماتو-کندی)؛ براساس این تحریم‌های ثانوی شرکت‌های کشورهای ثالثی که به تأمین کمک فنی و تجهیزاتی می‌پردازند یا دست‌کم به مبلغ ۲۰ میلیون دلار در بخش‌های مربوط به صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند، مورد هدف قرار گرفته‌اند. این تحریم‌ها به طور مرتب گسترش یافته‌اند.

Cf. Momtaz, Djamchid, "L'intervention des Etats-Unis dans les affaires iraniennes et la requête de l'Iran devant le Tribunal des différends irano-américains", in *Sanctions unilatérales, mondialisation du commerce et ordre juridique international*, Gherari, Habib et Szurek, Sandra (sous la direction de), Montchrestien, 1998, pp.293-305.

۴۱. اظهارات مدیرکل در شورای حکام در تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۰۸ و ۲ مارس ۲۰۰۹. همچنین نگاه کنید به: GOV/2009/8 du 19 février 2009.
- مدیرکل بارها در شورای حکام از این که در شرایطی نیست تا بتواند اسناد تهیه شده توسط آمریکا را در اختیار ایران، که ذی‌نفع اصلی است، قرار دهد، گلایه کرده است.
- Cf. Interventions des 27 novembre 2008 et 2 mars 2009. Cf. également : GOV/2009/8 – 19 février 2009.
42. Interview d'Al Baradei accordée au Washington Post « A Conversation with Mohamed Al Baradei, 1er février 2006.
۴۳. پیام باراک اوباما در ۲۰ مارس ۲۰۰۹ به مناسبت نوروز خطاب به مردم و مسئولین ایران. تحلیل‌گران به طور کلی بر این باورند که با این پیام حکومت جدید آمریکا به سیاست گذشته این دولت مبنی بر تسهیل، و حتی تحریک، برای تغییر رژیم سیاسی در ایران پایان داده است.
44. Nuclear Posture Review (NPR), available at: <http://www.defense.gov/npr>.
45. News Transcript, Presenter: Secretary of Defense Robert Gates, Joint Chiefs of Staff Chairman Navy Adm. Michael Mullen, Secretary of State Hillary Clinton, and Secretary of Energy Steven Chu, April 06, 2010, available at: <http://www.defense.gov/Transcripts/Transcript.aspx?TranscriptID=4599>.
46. Secretary of Defense Robert Gates: "I actually think that the NPR has a very strong message for both Iran and North Korea, because whether it's in declaratory policy or in other elements of the NPR, we essentially carve out states like Iran and North Korea that are not in compliance with NPT." Op.Cit. 45.
۴۷. سخنرانی باراک اوباما در ۲۶ آوریل سال ۲۰۰۹ در پراگ.
- Cf. Le Monde du 7 avril 2009.
۴۸. اظهارات محمدجواد ظریف نماینده دائم سابق ایران در سازمان ملل، در برابر شورای امنیت، ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶.
49. Biad, Abdelwahab, « L'armement nucléaire israélien, un tabou », *Annuaire français de relations internationales*, Vol. VI, 2005, pp. 714-716.
50. Sunday Times – 5 octobre 1986.
51. Interview sur la chaîne de télévision allemande T.V. Network, le 11 décembre 2006. Cf. Le Monde du 13 décembre 2006.
۵۲. قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت که در ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱ در پی حمله اسرائیل به رآکتور تموز در عراق صادر گردید. این قطعنامه از اسرائیل می‌خواست تا «به‌طور فوری تأسیسات هسته‌ای خود را تحت رژیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهد». پاراگراف ۵ قطعنامه شورای امنیت؛ و همچنین: Rés. GC (52) Res/15 (2008).

53. Le Monde du 14 octobre 2003.

۵۴. اسرائیل، جهت مقابله با خطر فروپاشی احتمالی نیروهای مسلح خود، در تاریخ ۶ اکتبر سال ۱۹۷۳ اقدام به اعلام آماده‌باش هسته‌ای می‌نماید. این واقعه در گزارشی که از سوی آمریکا انتشار یافته، نقل گردیده است. به نقل از: Biad, A., Op.Cit.49, p. 720, note 31.

55. A/9693, Add. 1 – 16 Septembre 1974.

56. Rés. 3263 – 9 Décembre 1974.

57. CD/1989 – 20 Avril 1990.

58. Rés. 687 – 3 avril 1991 § 14.

59. Sur, Serge, « La résolution 687 (3 avril 1991) du Conseil de sécurité dans l'affaire du Golfe : problèmes de rétablissement de paix et de garantie de paix », *AFDI*, 1991, p. 53.

به اعتقاد نویسنده، هدف مورد نظر قطعنامه، یعنی ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، «خواست مبنی بر توجه به نگرانی‌های دولت‌های عرب [...] در برابر تسلیحات هسته‌ای اسرائیل، که وجود آن‌ها، هرچند نه به‌طور رسمی، محرز به نظر می‌رسد را بیان داشته است».

۶۰. بند سوم از مقدمه قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت، ۳ مارس ۲۰۰۶.

61. GOV/2006/14 – 4 Février 2006.

62. NPT/CONF. 1995/32 Décision I, 11 mai 1995.

براساس پاراگراف ۶ این قطعنامه «ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای، به‌ویژه در مناطق بحرانی، می‌باید مورد تشویق قرار گیرد.»

۶۳. در رابطه با گسترش حوزه شمول منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی از نظر جغرافیایی به قلمرو دولت‌های عضو اتحادیه عرب، ایران و اسرائیل، به استثنای ترکیه که عضو پیمان آتلانتیک شمالی می‌باشد، توافق وجود دارد. نگاه کنید به: گزارش دبیرکل در رابطه با ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه:

A/45/435 – 10 octobre 1990.

این استثنا با نظر به شرایطی که براساس آن ترکیه تحت پوشش تضمین‌های امنیتی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، که دارای بُعد هسته‌ای نیز می‌باشد، قرار گرفته و تعداد زیادی از سلاح‌های هسته‌ای آمریکا همچنان در پایگاه اینجریلیک ترکیه نگهداری می‌شوند، توجیه گردیده است.

64. Shaker, Mohamed, « La Conférence des parties au Traité sur la non-prolifération des armes nucléaires (TNP) », New-York, avril-mai 1995, *AFDI*, 1995, p. 176.

65. NPT/CONF.2000/28.

66. NPT.CONF.2005/5.

67. NPT/CONF. 2005/WP.40.

سند ارائه شده توسط قطر به نمایندگی از دولت‌های عرب.

68. Johnson, Rebecca, "Enhanced Prospects for 2010: an Analysis on the third PrepCom and Outlook for the 2010 NPT Review Conference", *Arms Control Today*, June 2009 and Meetings Coverage, DC/3243, NPT Review conference 16th Meeting (PM).

<http://www.un.org/news/press/docs/2010/dc3243.doc.htm>.

۶۹. در تاریخ ۲۸ دسامبر سال ۲۰۰۹، امارات عربی متحده توافق‌نامه‌ای را با شرکت نیروی برق کره (Korea Electric Power Corporation) برای تحویل چهار مرکز هسته‌ای نسل سوم به ارزش بیست میلیارد و چهار صد میلیون دلار به امضا می‌رساند. در ۱۴ ژانویه سال ۲۰۱۰، فرانسه و کویت موافقت‌نامه‌ای را به امضا می‌رسانند که بر طبق آن طی دوره‌ای ۲۰ ساله، نخستین مرحله از توسعه شاخه هسته‌ای جهت مقاصد صلح‌آمیز، شامل تولید برق و نیز شیرین‌سازی آب‌دريا به انجام خواهد رسید. *Dépêches AFP*.
۷۰. بخش ۵ بیانیه.

71. Rés. 3472 – 11 décembre 1975.

۷۲. شورای امنیت شورایی را که خواهان انعقاد معاهداتی جهت ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای هستند را به انطباق با این دستورالعمل‌ها تشویق می‌کند. قطعنامه‌های ۱۸۸۷، ۲۴ سپتامبر سال ۲۰۰۹، بند ۱۳ مقدمه قطعنامه.

۷۳. اظهارات آریل شارون، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل.

Cf. *The Washington Times*, 8 juillet 2004 et GOV/2004/61/Add. 1 GC (48) 18 Add. 1.

۷۴. اظهارات نماینده اسرائیل در چهل و سومین کنفرانس عمومی آژانس که در سال ۱۹۹۹ برگزار گردیده است.

۷۵. اظهارات نمایندگان عربستان، مصر و الجزایر در نشست شورای حکام، در ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۹.

76. Zamaninia, Amir Hossein, "A World Free of Nuclear Weapons : Toward a Nuclear Weapons Free zone in the Middle East", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 1, n° 1, Spring 2010, p. 110.

۷۷. گزارش کمیسیون سازمان ملل متحد در رابطه با سلاح‌های کشتار جمعی:

« Les armes de terreur. Débarrasser le monde des armes nucléaires, biologiques et chimiques », A/60/934 – 10 juillet 2006.

اسرائیل تنها در صورت آغاز مرحله دوم نقشه راه، حاضر به شرکت در گفتگوهایی جهت کاهش احتمالی تسلیحات در چارچوب روند صلح در خاورمیانه می‌باشد.

Cf. GOV/2004/61/Add 1 GC (48) 18 Add. 1.

و همچنین بیانیه اسرائیل در نشست ۲۵ سپتامبر سال ۲۰۰۸ شورای حکام.

78. GOV/2009/44/Add. 1 GC (53) 12 – 20 avril 2009.
79. DEC GC (44) DEC/12.
80. Rés. 1696 – 31 juillet, 2006 § 5.
81. Rés. 687 – 3 avril, 1991 § 8.
82. Déclaration du porte-parole du Département d'Etat Robert Wood, Le Monde du 5 février 2009.
۸۳. یادداشت شفاهی نمایندگی ایران در آژانس.

Cf. INFCIRC/687 21 novembre 2006.

84. Rés. 487 – 19 septembre 1981.
85. Rés. 52/34 – 9 décembre 1997 de l'Assemblée générale des Nations Unies et Rés. 533 GC (XXXIV) du 21 septembre 1990 de la Conférence générale de l'Agence.
86. GOV/2009/44 Add. 1, GC (53) 12 Add. 1, 20 août 2009.
87. Rés. 1887 – 24 septembre 2009, § 6.
۸۸. به اعتقاد دیوان بین‌المللی دادگستری «تعهدی مبنی بر پیگیری همراه با حسن نیت و به انجام رساندن مذاکراتی که به خلع سلاح هسته‌ای در همه جنبه‌های آن تحت نظارتی دقیق و مؤثر منتهی گردد، وجود دارد». نظر مشورتی در رابطه با مشروعیت تهدید یا به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای، ۸ ژوئیه ۱۹۹۶، پاراگراف ۱۰۵، بند ۲، بخش و.
۸۹. اظهارات باراک اوباما در پراگ، ۶ آوریل سال ۲۰۰۹. Cf. Le Monde 7 avril 2009.